



دوره دوم
 اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

۵۹

جمعه، ۸ آبان ۱۳۸۳

۲۹ اکتبر ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

انترناسیونال

سردبیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

درباره سردبیری

انترناسیونال

صفحه ۸

کارگران قراردادی و طرح

ضد کارگری رژیم

صفحه ۸

اخبار

اعتراضات کارگری

صفحه ۷

آخرین اخبار از

وضعیت ژیل و بختیار

صفحه ۶



آرم حزب باید همه جا نقش بندد

ضرورت داشتن آرم و طرح و تصویب آن از حدود سه سال و نیم قبل در دستور ما قرار داشت. در کنگره چهارم و پنجم و بویژه در یک ماه اخیر پس از کنگره آرمهای متعددی برای رهبری حزب ارسال شد. و بالاخره آرم فوق مورد تصویب کمیته مرکزی قرار گرفت. آرم، مانند نام حزب، شاخص و معرف حزب ماست. از این پس نشریات و سایتهای حزب این آرم را در صفحه اول چاپ خواهند کرد و کلا هر جا اسم حزب طرح و درج میشود، آرم هم حاضر خواهد بود. بعلاوه یک ویژگی و مزیت آرم در اینست که میتواند بسادگی بر در و دیوار در خیابانها و کارخانه ها و دانشگاهها و هر کوی و برزن کشیده شود و همه جا، در اجتماعات و تظاهرات و گردهمایی ها بر پرچمها و پلاکاردها نقش ببندد. ما همه اعضا و فعالین و دوستان حزب، بویژه در داخل کشور را به انجام این وظایف و بردن و مطرح کردن هر چه وسیعتر آرم حزب به میان مردم فرا میخوانیم.



زنده باد انقلاب اکتبر!

زنده باد انقلاب کمونیستی کارگری!

نین، سخنرانی در میدان سرخ در اولین سالگرد انقلاب اکتبر

کمونیسم کارگری در تدارک اکتبر دیگری است

صفحه ۲

سیاوش دانشور

سالروز انقلاب سوسیالیستی اکتبر را گرامی بداریم در مراسم سالروز انقلاب اکتبر در آلمان و سوئد و کانادا شرکت کنید

صفحه ۴

انتخابات آمریکا، دمکراسی غربی و اپوزیسیون راست!

صفحه ۵

علی جوادی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حمید تقوانی

کمونیسم کارگری در تدارک اکتبر دیگری است

سخنرانی در مراسم گرامیداشت انقلاب اکتبر،
گوتنبرگ، سوئد *

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com
Tel. +46 70 765 63 62



دوستان عزیز، به جلسه گرامیداشت انقلاب کارگری اکتبر خوش آمدید. سنتا رسم بر این است که سخنرانان و شرکت کنندگان در مراسم چنین روزهایی، که سالگشت يك نقطه عطف در سیر حرکت و پیشروی جنبش سوسیالیستی بوده است،

راجع به تاریخ این مبارزات و تجارب و نقاط قوت و ضعف آن بحث و گفتگو میکنند. برای کمونیستها بررسی و جمع‌بندی درسهای يك انقلاب، يك حرکت عظیم اجتماعی، تا آنجا که میخواهند از کمبودهای آن در آینده اجتناب کنند، البته لازم و ضروری است. خود ما این کار را کرده ایم. نقد سوسیالیستی تجربه اکتبر در تقابل با نقدهای دمکراتیک و ناسیونالیستی از همین تجربه، از آثار تنوریک کمونیسم کارگری و حزب ماست. من قصد ندارم در جلسه امروز به تفصیل به این مباحث بپردازم.

آنچه من مایلم در این جلسه روی آن متمرکز شوم، خود مقوله انقلاب اجتماعی و تلاش ما برای تدارک و برپائی اکتبر دیگری است. این مهمترین دلیلی است که حزب کمونیست کارگری مراسم انقلاب اکتبر را برگزار میکند. میخواهیم این پرچم را هر جا و همه جا برافراشته نگهداریم. ما نه مفسر تاریخ هستیم و نه ناظرین بی عمل و داوران آن. ما جزو کسانی نیستیم که سوسیالیسم را تقدیس میکنند و در عمل آنرا به روزی موهوم احاله میدهند. سوسیالیسم برای ما مذهب نیست، کیش نیست. سوسیالیسم برای ما محمل سازش با مذهب و پنهان کردن چهره کریه آن نیست، وسیله ای نیست که با آن افق ناسیونالیستی و صنعتی شدن و یا

اساسی هر حکومت کارگری و به این اعتبار انقلاب اجتماعی و کمونیسم است.

اگر اولین مسئله هر انقلاب، مسئله کسب قدرت سیاسی، نگهداشتن و تثبیت آن است، در مورد انقلاب سوسیالیستی نه فقط کسب قدرت کارگری و تثبیت آن، بلکه انقلاب در مناسبات تولید و اقتصادیات جامعه شرط پیروزی آن است. هر انقلاب کارگری که قادر نشود فرمان اقتصادی انقلاب را به فرجام برساند، بناچار شکست خواهد خورد. برای مثال این معضل برای طرفداران دمکراسی و پارلمان و مجلس موسسان و جمهوری دمکراتیک و خلقی و غیره وجود ندارد. اینها نیازی به دست بردن به مناسبات اقتصادی جامعه ندارند. فرض تمامی این دولتها حفظ مناسبات اقتصادی بورژوازی و شیوه تولید سرمایه داری است. اما برای انقلاب کارگری فتح قدرت سیاسی، درپچه ای برای به اجرا در آوردن محتوای اقتصادی این انقلاب است.

کمونیسم کارگری در روسیه به رهبری حزب بلشویک قادر شد قدرت دولتی طبقات حاکم را درهم بکوبد و با فتح قدرت سیاسی حکومت کارگری برپا کند. حکومت شوراهای حاکمیت طبقه کارگری بود که قادر شده بود از بورژوازی حاکم خلع ید کند و همینطور تلاشهای نظامی ارتجاع شکست خورده را برای اعاده قدرت خویش درهم شکند و خنثی کند. اکتبر يك نمونه دخالت مستقل کارگر و کمونیسم در معادلات قدرت سیاسی در يك جامعه متحول بود. طبقه کارگر روسیه در جدال بر سر قدرت سیاسی پیروز شد. اما پیروزی سیاسی تمام محتوای يك انقلاب سوسیالیستی نیست. انقلاب سوسیالیستی يك انقلاب اجتماعی است که محور اساسی آن لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید و تبدیل کردن آن به دارائی جمعی کل جامعه است. انقلابی است برای پایان دادن به تقسیم طبقاتی جامعه، برای الغا نظام کار مزدی. برای از میان برداشتن بازار، پول و مبادله کالائی که اساس سرمایه داری را تشکیل میدهند. تغییر در بنیادهای اقتصادی و مناسبات تولیدی جامعه، فرمان

شرایط اکتبر دیگری در دنیای امروز یا در ایران که حوزه نفوذ مستقیم ماست وجود دارد؟ میگویند "سوسیالیسم عملی نیست، شکست خورده، مگر تجارب تاکنونی را نمیبینید!" و یا اساسا تلاش برای امر تغییر بدون انقلاب نمیشود؟ قبل از پاسخ به نوع سوالات که بخشی از آنها رسماً و علناً تبلیغات ضد کمونیستی و جنگ سردی است و بخشی دیگر نگرانیهای صمیمانه کسانی است که تعلق خاطری به سوسیالیسم و کارگر دارند، اما سرخورده و مارگزیده هستند پاسخ دهم، اجازه بدهید مختصراً نظر ما را راجع به انقلاب اکتبر و سرنوشت آن بگویم:

کمونیسم کارگری در روسیه به رهبری حزب بلشویک قادر شد قدرت دولتی طبقات حاکم را درهم بکوبد و با فتح قدرت سیاسی حکومت کارگری برپا کند. حکومت شوراهای حاکمیت طبقه کارگری بود که قادر شده بود از بورژوازی حاکم خلع ید کند و همینطور تلاشهای نظامی ارتجاع شکست خورده را برای اعاده قدرت خویش درهم شکند و خنثی کند. اکتبر يك نمونه دخالت مستقل کارگر و کمونیسم در معادلات قدرت سیاسی در يك جامعه متحول بود. طبقه کارگر روسیه در جدال بر سر قدرت سیاسی پیروز شد. اما پیروزی سیاسی تمام محتوای يك انقلاب سوسیالیستی نیست. انقلاب سوسیالیستی يك انقلاب اجتماعی است که محور اساسی آن لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید و تبدیل کردن آن به دارائی جمعی کل جامعه است. انقلابی است برای پایان دادن به تقسیم طبقاتی جامعه، برای الغا نظام کار مزدی. برای از میان برداشتن بازار، پول و مبادله کالائی که اساس سرمایه داری را تشکیل میدهند. تغییر در بنیادهای اقتصادی و مناسبات تولیدی جامعه، فرمان

اساس رابطه مزدی، پول و مبادله کاری نداشت.

این شکست طبقه کارگر روسیه در به فرجام رساندن انقلاب در مناسبات اقتصادی، به شکست طبقه کارگر در قدرت سیاسی و شکست انقلاب کارگری بطور کلی منجر شد. مناسبات بورژوازی تولید ایجاد میکرد که در سطح سیاسی نیز دولت و رونمای سیاسی متناسب با آن شکل بگیرد. بجای قدرت شوراهای حکومت کارگری، يك دولت بورژوازی متکی به سرکوب خشن کمونیستها، يك بوروکراسی عظیم و طویل دولتی و ماشین عظیم نظامی جایگزین آن شد. این دولت ناسیونالیسم روس و از الزامات اقتصاد سرمایه داری دولتی بود. پروسه پس گرفتن قدرت از کارگران در شوراهای تصفیه های بعدی در دهه های سی و چهل و قتل عام نسل کمونیستها انقلاب اکتبر روسیه و بلشویسم در به فرجام رساندن انقلاب کارگری اکتبر آنچه بعد از شکست انقلاب اکتبر خود را با نام کمونیسم به جهان معرفی کرد چیزی نبود جز يك اقتصاد دولتی سرمایه داری که برنامه و تصمیمات اداری را جایگزین مکانیزمهای بازار میکرد، و در سطح جامعه حداقلی از خدمات رفاهی و بیمه های اجتماعی را برای همگان با اتکا به درجه ای از تعدیل ثروت پیش میبرد. اینهم محصول توازن قوای بعد از انقلاب اکتبر است که نه فقط در روسیه بلکه در اروپای غربی و آمریکای شمالی و کشورهای جهان سوم به پلاتفرم بورژوازی تبدیل میشود. دولتگرایی اقتصادی و محدود کردن مکانیزمهای بازار بعنوان الگوی رشد اقتصادی تا دهه هشتاد مقبولیت دارد.

با تمام اینها، به نظر من بدون بلشویکها و بدون انقلاب اکتبر قرن بیستم اساساً طور دیگری میشد. زندگی میلیاردها بشر در این قرن میتوانست به مراتب بیحقوق تر و اسارت بارتر رقم بخورد. سالهای دهه هشتاد و بدنای آن بعد از فروپاشی بلوک شرق و جنگهای خانمان برانداز قومی و ملی و

سوسیالیسم پاخیر، برای رفع تبعیض!



مذهبی، و بیحقوقی فرد در دیکتاتورهای عنان گیسخته بازار در مقابل چشمان همه ماست. اکتبر انفجاری بود که جهان بعد از آن آرایش سیاسی و بلوک بندی خود را بناچار باز تعریف کرد. تاثیرات انقلاب اکتبر و دستاوردهای آن را از کاهش ساعت کار، حق مسکن، حق رای، برابری زن و مرد، حق تشکل، آزادیهای فردی و اجتماعی و ... را هنوز ما داریم استفاده میکنیم. تمام اینها با وجود جنگ و محاصره اقتصادی بیش از ۱۴ کشور اروپائی و آمریکائی علیه انقلاب اکتبر، جنگ داخلی و بین المللی ضد انقلاب بورژوائی علیه حکومت کارگری و کشته شدن چند میلیون و شکست بعدی انقلاب میسر شده است. حکومت کارگری لنین کمتر از هشت سال طول کشید اما هشتاد سال جهان سرمایه داری با تمام قوا علیه اش جنگید. قرن بیستم اگر يك واقعه تاریخی و انسانی داشته باشد، انقلاب اکتبر است. در پایان این قرن، با تمام هیاهوها و تبلیغات هار ضد کمونیستی ما شاهد عروج مجدد چپگرایی و مقبولیت مجدد رهبران، شخصیتها و آرمانهای اکتبر هستیم.

حالا اجازه بدهید به سوالات اول بحث برگردم. اگر بپذیریم که آنچه تحت حاکمیت استالین و مانو و انور خوجه و کیم ایل سونگ و دیگر اسلافشان در همین کشورها و یا در کشورهای آفریقائی وجود داشته "سوسیالیسم" بوده است، آنوقت باید روایت "کمونیسم شکست خورد"، "پایان تاریخ"، "نظم نوین جهانی" و غیره را که عربده های ضد کمونیستی بورژوازی غرب به رهبری ریگانیسم و تاجریسم بود را هم بپذیریم. و بدنبال آنها مثل خیل روشنفکران و الیت سیاسی همین جوامع راه بیافتیم و همان شعارها و احکام پوچ را تکرار کنیم. اما اگر از موضع کارگر مزدی و انتقاد مارکسیستی به جهان امروز نگاه کنیم و رویدادهای این قرن را تجزیه و تحلیل کنیم به نتایج متفاوتی میرسیم. دیگر مفروضات و فرمولهای آنها مبنای باورها و تردیدها و حتی نگرانی های صمیمانه مان نسبت به امکان تغییر جامعه بدست خود انسانها و حقانیت انقلاب اکتبر نیست. در تمام این سالها و در تمام دوره تعرض به آرمانهای اکتبر اینها این هدف را

دنبال میکردند و البته هنوز هم میکنند که فرد در جامعه باید خودش گلیم اش را از آب بیرون بکشد. که رقابت قانون جامعه است. که آنهایی که میتوانند در این رقابت پیروز شوند "باعرضه" ترند و جای بهتری را بخود اختصاص میدهند. که جامعه در مقابل فرد مسئولیتی ندارد. که قانون جنگل و اصل اصالت سود است که همه چیز را تعیین میکنند. که سرمایه داری "زلی و ابدی" است و مثنی انگل و مفتخور و بیکاره صاحب همه چیزند و اکثریت جامعه، بشریت کارگر و صاحبان و تولید کنندگان ثروت جامعه صاحب هیچ چیز. که این سرنوشت بشر است. اصلا تاریخ و جامعه همین است. اگر شما هم بخواهید علیه این اوضاع قیام و اعتراض کنید، قانون و دادگاه و پلیس و اوباش را که برای همین روزها و به خرج طبقه کارگر تربیت شده اند به جان شما می اندازند و با گلوله و زندان به شما پاسخ خواهند داد. کل دستگاه تبلیغاتی و مهندسی افکار به کمک مذهب و خرافات نیز همین سرنوشت را برای ما تئوریزه میکند.

تا کسی، کارگری، کمونیستی می آید و از قدرت سیاسی حرف میزند، صدها مبصر و نان خور این رژیمها پیدایشان میشود و از فقدان شرایط انقلاب و اینکه این ایده شکست خورده و غیره حرف میزنند. ترور میکنند، برچسب میزنند، دروغ میگویند، پرونده سازی میکنند، زندان و شکنجه میکنند، برای اینکه ما مردم کارگر، ما کمونیستها در لاک خودمان فرو برویم و به این قاعده بازی تن دهیم. برای اینکه کاری به قدرت بلامنازع سرمایه و حکومتهاش نداشته باشیم. برای اینکه بپذیریم که حکومت علی الابد در اختیار خدای سرمایه و نمایندگان سیاسی اش است. که برای کمونیستها کفر است که دست به قدرت سیاسی و انقلاب ببرند.

میگویند انقلاب خشونت می آورد، خونریزی دارد، اصلا دوره اش گذشته است. اینها خود را به نفهمی میزنند که این خشونت روزمره سرمایه علیه انسان امروز است که هر شش ثانیه کودکی را میکشد، هر دقیقه جنایت میکند، دارو و غذای بچه ها را در عراق و کویا گرو گرفته است. که نفس کارکردن در قبال مزد، فروختن هر روزه خلایقیت

انسانی، بدون اینکه صاحب آنچه باشی که خود خلق کردی، کثیف ترین خشونت است. خود اینها هستند که زندانها و شکنجه گاهها و جوخه های ترور را سازمان داده اند. خود اینها هستند که مردم را کرور کرور با بمب میکشند، خود اینها هستند که در مهد دمکراسی اعدام میکنند و به اتاق گاز میفرستند. خود اینها هستند که استفاده کنندگان بمب اتمی و شیمیائی هستند، که خود اینها هستند که جنگهای ویرانگر بین المللی و منطقه ای را راه انداخته اند. خود اینها هستند که در پنج قاره دارند هر روز جنایت میکنند. تاجر و مبجر و استالین و برژنف مال اینهاست. هیتلر و خمینی و طالبان و فهد و خونتهای نظامی از افتخارات اینهاست. بی بی دوك و پایا دوك و دیکتاتورهای ضد بشر در شرق و غرب مال اینهاست. همین امروز خشونت حکومتهای اسلاف اینها هستند که مانع هر روزه تلاش انسان کارگر برای آزادی بشر در این کره خاکی اند.

به نظر من هیچ چیز والاتر و انسانی تر از این نیست که به این خشونت پایان داد. که علیه آن انقلاب کرد. آیا اینها حاضرند جامعه را بدون انقلاب تحویل کارگران بدهند؟ آیا اینها حاضرند برای الغا نظام کار مزدی انتخابات آزاد بگذارند؟ کسانی که کارگران را در روسیه و کره و آمریکای لاتین و ایران بخاطر اضافه دستمزد به گلوله میبندند، زندان میکنند، از حقوق مدنی محروم میکنند و از کار اخراج میکنند، چگونه حاضرند از منافعشان یا پس بکشند؟ حقیقت اینست که زور را فقط با زور میتوان خنثی کرد. طبقه کارگر برای آزادی خود و کل جامعه، در همه جای جهان، هیچ راهی بجز بزیز کشیدن حاکمیت سرمایه، درهم شکستن آن و الغای آن پیش رو ندارد. بشریت کارگر هیچ راهی بجز انقلاب علیه سرمایه ندارد. این تنها راه آزادی بشر است. این عین مبارزه با خشونت و پایان دادن به خشونت برای همیشه است. به نظر من کسی که انقلاب را مترادف با خشونت میدانند، خواهان تداوم خشونت سازمان یافته و سیستماتیک سرمایه علیه بشریت است. آیا شرایط انقلاب سوسیالیستی وجود دارد؟ بله وجود دارد. دیر زمانی است که وجود دارد. انقلاب

افراطی کمونیسم کارگری، و دخالت تک به تک ما برای شکل دادن و پیروز کردن و حراست از انقلابی است که در دل اوضاع امروز دارد حدادی میشود.

دوستان عزیز! اکتبر، انقلابی که در تاریخ معاصر به "ده روزی که دنیا را لرزاند" معروف شده است، علیرغم شکستش، در پایان قرن بیستم با شیخ مارکس و لنین، با نقد کمبودهای بلشویسم و عروج مجدد کمونیسم کارگری و حزبی در صحنه است و میروید که در يك تلاقی سیاسی مجدداً به نقطه امید صدها میلیون انسان برای امر آزادی و برابری تبدیل شود. ما هیچ بدهکاری به سوسیالیسم غیر کارگری حاصل از شکست اکتبر و دیگر بلوکهای که با نام سوسیالیسم حرف زدند نداریم. ما هیچ ارزشی برای تئوریهای تسلیم طلبانه روشنفکران و تازه دمکراتهای نظم نوینی قاتل نیستیم. ما کمونیستیم. کمونیستهای سنت مارکس و بلشویسم لنین. بعد از قریب هشتاد سال از شکست مان در نیمه دوم دهه بیست از ناسیونالیسم، دوباره داریم کمر راست میکنیم. میخواهیم همان اهداف اکتبر را متحقق کنیم.

پروچم انقلاب اکتبر در دست ماست. ما میخواهیم این پروچم را بار دیگر در گوشه ای دیگر از این کره خاکی اندیشی "یا ملاحانی که قرار است اسلحه شان را تحویل بدهند و با زند ادکلن و رعایت قواعد پارلمانی به مجلس بروند. مذهب، هر نوع مذهب امتحانش را در ایران پس داده است. دنیائی از تنفر علیه مذهب در جامعه ایران موج میزند. به نظر من مذهب هیچ آینده ای در ایران ندارد. همینطور راه حل تدریجی و اصلاحات در ایران بیشتر به يك فکاهی سیاسی شبیه است تا اینکه ریشه ای در واقعیت داشته باشد. جریانات دست راستی ناسیونالیسم ایرانی، که آن جامعه دست رد به سینه اش در انقلاب ۵۷ زده است، در اشکال جدیدی دارند به صحنه می آیند. من فکر میکنم نهایتاً آینده سیاسی ایران را که به سمت تحولات تعیین کننده و مهمی میروید، جدال چپ و راست، جدال کمونیسم و ناسیونالیسم تعیین خواهد کرد. آنچه در ایران زمینه وسیعی دارد کمونیسم است. در مورد تضمین آینده هر انقلابی به کسی نمیتوان ضمانت داد. بهترین ضمانت برنامه سیاسی، آزادیخواهی

* این سخنرانی در ۸ نوامبر ۱۹۹۹، در مراسم گرامی داشت انقلاب اکتبر در گوتنبرگ سوئد ایراد شده و در نشریه انترناسیونال شماره ۲۲، بهمن ۱۳۷۸، ژانویه ۲۰۰۰ منتشر شده است.

سالروز انقلاب سوسیالیستی اکتبر را گرامی بداریم

در مراسم سالروز انقلاب اکتبر
در آلمان و سوئد و کانادا شرکت کنید

هشتاد و هفت سال پیش انقلاب سوسیالیستی اکتبر پایه گذاری اولین جامعه سوسیالیستی جهان را اعلام کرد. انقلاب اکتبر از همان آغاز یوغ ستم و بهره کشی و اختناق نظام سرمایه داری و بقایای فئودالیسم را از دوش میلیونها کارگر و مردم زحمتکش و ملت‌های تحت ستم بلور افکند و پایه گذاری يك دنیای انسانی را با وسیعترین آزادیها و رفاه و برابری بشارت داد. پیروان انقلاب اکتبر با دادن اختیار مستقیم جامعه به دست شوراها کارگران و مردم محروم، کل اردوی سرمایه را به وحشت مرگ افکند. این انقلاب امید رهایی از نکتیت و محرومیت و بی اختیاری موجود را در میان همه کارگران و مردم جهان زنده کرد.

اکتبر با اعلام آزادیهای اجتماعی و سیاسی وسیع و بی سابقه اش بود که بورژوازی را به وحشت انداخت. اکتبر با دادن اختیار به محرومان جامعه، پایان عمر بردگی مزدی را اعلام کرد. انقلاب اکتبر آزادی بی قید و شرط سیاسی را قانون اساسی جامعه اعلام کرد. انقلاب اکتبر حقوق کاملا برابر زن و مرد را بلافاصله به اجرا گذارد. انقلاب اکتبر حق تعیین سرنوشت را حق همه ملت‌ها اعلام کرد. انقلاب اکتبر لغو بردگی مزدی کارگران را هدف فوری خود اعلام کرد. اکتبر به آزادی آنچنان معنای وسیع و اجتماعی ای داد که تا آن زمان در هیچ کجای جهان سابقه نداشت. خصومت و دشمنی بی حد و حصر سرمایه جهانی با بلشویسم و کمونیسم و انقلاب اکتبر دقیقا در همین خصوصیات رهایی بخشش ریشه دارد.

بورژوازی بین المللی، سرمایه داری دولتی حاکم بر بلوک شرق را که با شکست انقلاب در شوروی برپا شده بود، کمونیسم قلمداد کرد تا همین جوهر و خصلت آزادی بخشی همه جانبه و انسانی انقلاب سوسیالیستی اکتبر را از انتظار پنهان دارد. کارگران جهان اما هر جا که عزم کنند دست به ریشه ستم و محرومیت خویش بزنند، از اکتبر می آموزند و اکتبر سوسیالیستی را گرامی میدارند.

در سالروز انقلاب اکتبر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست کارگری چپ عراق مراسم ویژه ای را در چندین شهر در کشورهای مختلف برگزار میکنند و در این مراسم رهبران حزب از تجربه انقلاب اکتبر و رسالت و نقش و تاثیرات واقعی آن و درسهای این انقلاب برای انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، سخن خواهند گفت.

آلمان:

فرانکفورت: شنبه ۶ نوامبر ساعت چهار بعد از ظهر دانشگاه فرانکفورت، روبروی ساختمان آستا
Horsall Bockenheimer warte

سخنرانان:

حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران
ستار چین تو: عضو کمیته اجرایی
حزب کمونیست کارگری چپ عراق
کاظم نیکخواه: عضو دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران

کانادا:

تورونتو: شنبه ۲۰ نوامبر ساعت ۷ تا ۱۱ شب
Cecil Community Centre
58 Cecil Street (Spadina & College)

سخنرانان:

علی جوادی عضو دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران
عصام شکری: عضو کمیته اجرایی
حزب کمونیست کارگری چپ عراق

ونکوور: شنبه ۶ نوامبر ساعت ۵ تا ۸ بعد از ظهر
نورث ونکوور + شماره ۱۰۰ خیابان یکم غربی
Johan Bralrthwaite Community centre-
Multi purpose room

سخنرانان:

مصطفی صابر: عضو دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران
سردار عبدالله (حلیجه ای): عضو کمیته اجرایی
حزب کمونیست کارگری چپ عراق

سوئد:

گوتنبرگ:
Framtid Huset, Angpannegatan 9A/
Hissingen

سخنران:

اصغر کریمی عضو دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران

زنده باد انقلاب اکتبر
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

انجمن مارکس (کانادا)

بر گزار میکند

موضوع

**بررسی تئوریهای مارکسیستی و
کمونیسم کارگری در مورد انقلاب،
قدرت سیاسی، و سوسیالیسم**

سخنران: **حمید تقوایی**

در این سری سمینارها موضوعات زیر مورد بحث قرار میگیرد:
* نقد نظری، اجتماعی و سیاسی سرمایه داری از دیدگاه طبقه کارگر.
رادیکالیسم نقد مارکسیستی جامعه سرمایه داری در چیست؟
* انقلاب بعنوان یک تحول ایزکتیو، و انقلاب بعنوان نقد اجتماعی نظام سرمایه داری.

* سوسیالیسم و انقلاب. خصلت کارگری انقلاب سوسیالیستی در چیست؟ خصلت سلبی انقلاب و خصلت انتقادی مارکسیسم.
* خصوصیات قدرت سیاسی بر آمده از انقلاب. دولت در دوره های انقلابی.

* مکان انقلاب برای کمونیستها. حزب و انقلاب، و حزب و قدرت سیاسی.

* حزب قبل و بعد از تصرف قدرت. رادیکالیسم حزب در اپوزیسیون و در حکومت. فوریت و مبرمیت سوسیالیسم برای دولت کمونیستی. مطلوبیت و ضرورت سیاسی سوسیالیسم. امکانپذیری سوسیالیسم.
* نقد دیدگاههای چپ غیر کارگری در مورد انقلاب و سوسیالیسم.

جلسه اول

زمان: شنبه ۳۰ اکتبر ۲۰۰۴، ساعت ۷ بعد از ظهر
مکان: تورنتو، Oriole Community Centre,
2975 Don Mills Rd

این برنامه مستقیما از طریق پالتاک پخش خواهد شد
گروه Nationality / Language / others

اتاق: ایران، انجمن مارکس، با حمید تقوایی
شماره تلفن تماس: ۹۵۰۰ ۷۳۷ ۴۱۶ +۱
marx_can1@yahoo.com

توجه

از ۱۰ آبان، برنامه های رادیو انترناسیونال
هر شب ساعت ۹ به وقت تهران،
روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز
پخش میشود.

پیش بسوی تشکیل شوراها!

زنده باد شورا!

انتخابات آمریکا، دمکراسی غربی و اپوزیسیون راست!

علی جوادی



نمایش دمکراسی غربی

چند کاندیدا که تنها دو تن از آنها بطور جدی مطرح هستند، در کنار اسمی علامت میزنند. این بار: جورج واکر بوش یا جان کری. کدامیک؟ و مردم به این گونه نقش خود را در این مراسم دمکراسی انجام میدهند! سپس تمرین و نمایش دمکراسی به پایان میرسد. پوسترها جمع میشوند. میزگردهای کارشناسانه به پایان میرسد. تبلیغات انتخاباتی تمام میشود. وضع عادی میشود. و کاندید شکست خورده با احترام قابل تحسینی به ستایش از انتخابات و رقابت انتخاباتی میپردازد و پیام تبریکی برای رقیب خود ارسال میکند. چراغها خاموش میشوند. در فاصله دو انتخابات خبری نیست. در دمکراسی غربی هر چهار سال یکبار مردم در سیاست به بازی گرفته میشوند.

معمولا تقلبی در کار نیست. نیازی هم نیست. سرنوشت طبقاتی انتخابات از پیش روشن است. رایها به دقت شمارش میشود. اما همواره ایت ممتاز طبقاتی جامعه در راس است. از پیش قابل پیش بینی است. یکی از دو جناح يك هیات حاکمه واحد آمریکا در راس امور قرار میگیرد. یا از حزب دمکرات یا از حزب جمهوریخواه. صحنه سیاسی کشور اساسا تحت تاثیر عملکرد این دو حزب است. حاکمیت در هر دوره تنها از این دست به آن دست میشود.

سهم مردم در دمکراسی غربی

این نقش و سهم مردم در دمکراسی غربی است. علامتی در کنار اسمی. اکثریت ۷۰ درصدی واجدین شرایط در این مراسم شرکت نمیکند. نتیجتا هیچ رئیس جمهوری در آمریکا با رای اکثریت مردم انتخاب نمیشود. دمکراسی یعنی رای انسان نیز در دمکراسی غربی تماما

صحنه سیاسی است. نفس حاکمیت اقتصادی و سیاسی طبقات ثروتمند در این "انتخابات" مورد ستوال نیست. موضوع انتخاباتی هم نیست. از پیش سرنوشت انتخابات روشن است. تفاوتهای سیاسی جناحهای رقیب بسیار ناچیز و فرعی است. اساسا انتخابات در دمکراسی مجرای برای تعیین سیاست واقعی مورد نظر مردم و ظرفی برای دخالت مردم در سرنوشت سیاسی خودشان و تعیین سیاست بطور روزمره نیست. آنچه در این انتخاباتها مورد جدل است نفس وجود چنین سیستم نابرابر و استثمارگری نیست. هیچکدام از سیاستهای اساسی و مورد نظر مردم در این انتخابات مورد بحث و جدل نیست. تصمیمات اساسی پیرامون این مسائل در انتخابات گرفته نمیشود. سیاستهای کلی و تعیین کننده انتخاباتی اساسا در خارج از چهارچوب انتخابات اتخاذ میشود. گویی سیاست از قبل به طبقه حاکم بطور انحصاری پیش فروش شده است. هیچکدام از سیاستهایی که زندگی مردم را دستخوش تغییر و دگرگونی میکنند در انتخابات به رای گذاشته نمیشوند. نه تنها به رای گذاشته نمیشود، بلکه هیچ مجرای برای مردم بمنظور بازخواست و کنترل بر این سیاستها وجود ندارد. تصمیمات اصلی در محافل و کانونهای قدرت که تماما خارج از اراده حتی خود ارگانهای انتخاباتی سیستم قرار دارند، اتخاذ میشود.

آمریکا به عراق حمله کرد. کشور و جامعه ای را تبدیل به ویرانه کرد. جامعه دهها سال به عقب بازگردانده شد. به بهانه نابودی تروریسم و از بین بردن سلاحهای کشتار دسته جمعی و بر کناری دیکتاتوری شکست خورده، یکی از بزرگترین عملیاتهای تروریستی را در سطح جهان سازمان دادند. دهها هزار تن بمب بر سر مردم ریختند، بدون اینکه مردم امکان زیر کشیدن سازمان دهندگان و مجریان چنین جنایتی را داشته باشند. بیش از ۴ میلیون در چهار سال اخیر از کار بیکار شده اند. هیچ کس از مقامات دولتی پاسخگو نیست. گویا این افراد فقط آمار و رقمی در گزارشهای اقتصادی هستند. گویا انسان با گوشت و پوست و نیاز و عاطفه نیستند. در انتخابات دمکراسی این سیاستها به رای گذاشته نمیشود.

چندین میلیون کودک در این چند سال بیمه از بیمه پزشکی محروم شده اند. از بیمارستانها بخاطر عدم برخورداری از بیمه پزشکی بدون درمان به خانه برگردانده شده اند. اما هیچ مقام دولتی پاسخگو نیست. در مهد تمدن سرمایه داری بی خانمانی مرتب در حال گسترش است. اما هیچ نهادی حتی قابل دسترس و یا قابل استیضاح نیست. در دمکراسی غربی اصیلترین مقامات کشوری حتی در انتخابات تعیین نمیشوند. سران مقامات نظامی و امنیتی و سازمانهای پلیسی کشور، قضات دادگاههای عالی همگی انتصابی هستند. این مجموعه چه آنها که انتخاب میشوند، چه آنها که انتصاب میشوند، هیچکدام قابل عزل توسط مردم نیستند. اراده مردم در چهارچوب دمکراسی تغییری در این سرنوشت ایجاد نمیکند. انتخابات ماهیت سیاسی و کاراکتر هیات حاکمه و دولت را تغییر نمیدهد. بلکه آن را توجیه میکند. بلکه به آن مشروعیت سیاسی می بخشد. دولت دمکراتیک دولتی است که متکی به رای مردم است. ماهیت دولت، نفس دولت، اما کوچکترین ربطی به رای و آراء انتخاب کنندگان ندارد. این نقش انتخابات در دمکراسی است. هر چند سال یکبار تنها مهر تاییدی بر آنچه بر مصدر کار و حاکم است، زده میشود. در دمکراسی غربی، در فاصله دو انتخابات آدم زنده و صاحب نظر مجرای برای ابراز وجود سیاسی و عملی ندارد. هیچگونه دخالتی در این فاصله نمیتواند داشته باشد حتی بعنوان يك فرد صاحب رای. رای ناچیزش نیز قرار نیست مشروعیتی به سیاستی دهد.

حقیقت دمکراسی

در کنار این واقعیت حقیقت بزرگتری قرار دارد. در دمکراسی غربی آنچه اصل است حق حاکمیت سرمایه و مالکیت خصوصی سرمایه بر زندگی و کنترل مایحتاج مورد نیاز مردم است. هیچ انتخاباتی نمیتواند این "حق" طلایی را دستخوش تغییر کند. کودتا در چنین شرایطی نتیجه طبیعی عملکرد طبقه حاکم خواهد بود. دمکراسی غربی شرط وجود

ملاقات با ژیل و بختیار در بازداشتگاه کمک کنید این کودکان را نجات دهیم

برای ایجاد امکان کمک به آنها در اولین گام باید با اعتراض و مبارزه و افشاکاری دست جانوران حاکم اسلامی را از زندگی آنها کوتاه کرد. صدای اعتراض خود به شکنجه و دستگیری و حکم سنگسار کودکان را راسر کنید. به کمیسیون دفاع از ژیل و نوزاد و برادرش بختیار پیوندید.

مینا احدی

سخنگوی کمپین جهانی نجات ژیل
۴ مهر ۱۳۸۳ - ۲۵ اکتبر ۲۰۰۴

به این گزارش بشدت ناراحت و خسته و عصبی بوده است. بختیار که او نیز کم سن و سال است میگوید "خسته ام، اعصابم خرد شده. میخوام زندگی کنم، مدرسه برم، کی به داد ما میرسه، سه ماه و بیست روز در بازداشتگاه بوده ام" مردم شریف! سازمانها و نهادهای انسان دوست

این کودکان را باید از چنگال وحوش اسلامی هرچه زودتر نجات دهیم، آنها به کمک نیاز دارند. آنها به حمایت و پشتیبانی نیاز دارند.

اعضای "کمیته ویژه دفاع از زندگی ژیل ایزدی" روز شنبه دوم آبان ماه با ژیل و بختیار ایزدی در محل بازداشت آنها در سنندج ملاقات کردند. در اطلاعیه این کمیته آمده است: "ژیل در حالی که گریه میکرد اعضای کانون را در آغوش گرفت. ژیل گفت من میخوام زندگی کنم، من میخوام درس بخونم، دوست دارم برم خونه، من دوست ندارم سرزنش بشم، بازپرسی بشم، ژیل گفت: من را تو دادگاه ۵۵ ضربه شلاق زدند. بختیار برادر ژیل نیز بنا

محصول تحول سوسیالیستی جامعه است. جامعه ای که اساسش انسان است.

در دوم نوامبر اقلیتی در آمریکا به پای صندوقهای رای میروند. جورج بوش یا جان کری؟ کدامیک؟ این انتخاب را نباید قبول کرد. چنین انتخابی پوچ است. برای دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه باید از مجرای دیگر دخالت کرد. مبارزه مستقیم طبقه کارگر برای آزادی و سوسیالیسم.

اپوزیسیون راست و انتخابات آمریکا

موضع اپوزیسیون راست و محافظه کار در انتخابات آمریکا نشانگر تفاوت عمیق اپوزیسیون در قبال تحولات بین المللی است. نیروهای سلطنت طلب و غیر سلطنت طلب

اپوزیسیون راست در حمایت از ارتجاعی ترین بخش هیات حاکمه آمریکا به خط شده اند. جورج بوش کاندیدشان است. تحقق پروژه خود را در گرو انتخاب جورج بوش و پروژه رژیم چنج دنبال میکنند. برای اعاده اوضاع گذشته امیدشان به جورج بوش گره خورده است. بر تخصص و جنگ میان تروریستها، تروریسم دولتی ناتو و میلیتاریسم آمریکا و اسلام سیاسی، سرمایه گذاری کرده اند. شدت گیری این جدال منشاء امیدشان برای قدرت گیری است. به هر میزان که جامعه دست رد بر آلت ناتویشان میزند، به هر درجه ای که چپ به نقطه امید و آرزوهای مردم برای تحولات آتی تبدیل میشود، این جریانات مستاصل تر آینده خود را موشکهای کروز و بمب افکنها جستجو میکنند.

اگر اپوزیسیون راست متحد سیاسی اش ارتجاعی ترین جریانات هیات حاکمه و محافل امپریالیستی است. در نقطه مقابل کمونیسم کارگری در کنار سوسیالیستها و طبقه کارگر و بشریت متمدن آینده ای انسانی را برای فردای مردم جستجو میکنند. به این آینده باید پیوست! *

حاکمیت سرمایه نیست. مجرای مشروعیت بخشیدن به این حاکمیت است. اما زمانیکه همین پروسه به گونه دیگری رقم بخورد، "چپ سوء استفاده"، کند، کل این بساط یک شبه برچیده خواهد شد. در چنین شرایطی ارتش و تمامی ارگانهای خارج از حیطه کنترل مردم وارد عمل خواهند شد. چنین شرایطی در "دموکراسی" شرایط اضطرابی و "وضعیت فوق العاده" نام گذاری شده است. آنجا که منافع دموکراسی مورد مخاطره قرار میگیرد، ارتش و پلیس مخفی صحنه گردان میشوند. انتخابات به کناری زده میشود. دولت های نظامی جایگزین دولت های سیویل میشوند. تحقق و ارباب جای خود را اساسا به ارباب و سرکوب میدهد.

اما مستقل از این واقعیت نفس انتخابی که در مقابل جامعه قرار داده میشود اسارت آور است. رد و قبول کاندیدای یکی از احزاب حاکم، انتخاب کاندیدای اقلیت ممتاز طبقه اقتصادی حاکم، انتخاب نیست. اسارت است. اسارت و اجبار طبقاتی. چرا که اکثریت مردم از ابزار تولید وسائل معیشت و نیاز خود محروم هستند. برای آزادی باید علیه کلیت این نظام انقلاب کرد. دموکراسی علی العموم آزاد است. اما این جامعه ای آزاد نیست. شرط لازم آزادی نابودی اسارت طبقاتی و استثمار طبقاتی است. این جامعه برابر نیست. جامعه ای که نابرابری اقتصادی و طبقاتی انسانها شرط بقاء و محصول کارکرد هر روزه اش است، نمیتواند آزاد باشد. دموکراسی یعنی مشروعیت سیاسی. اما آزادی مقوله و مفهوم کاملا متمایزی از دموکراسی است. دموکراسی قالب بسیار محدودی برای آزادی است. جامعه سرمایه داری با هر درجه ای از دموکراسی جامعه ای آزاد نیست. جامعه ای برابر نیست. انسانها در دموکراسی غربی آزاد و برابر نیستند. مقید و اسیرند. آزادی واقعی تنها

آخرین اخبار از وضعیت ژیل و بختیار ایزدی کمپین جهانی نجات ژیل با قدرت ادامه دارد

برادرش شدیم. طی دو روز گذشته با روزنامه "دی ولت" در آلمان مصاحبه مفصلی در مورد احکام سنگسار و موقعیت ژیل داشته و ترتیب ارتباط این روزنامه و کسب اخبار از آخرین تغییرات در پرونده و موقعیت ژیل را دادیم.

کمپین جهانی نجات ژیل همچنین میتینگهایی اعتراضی را در شهرهای فرانکفورت، استکهلم، بروس و گوتنبرگ سازمان داده و از همه مردم دعوت کرده است که در این میتینگها شرکت کنند.

روز جمعه ۲۹ اکتبر در شهرهای استکهلم در مقابل پارلمان سوئد، در گوتنبرگ در مرکز شهر و در بروس در محل نمایشگاه فیلم و فرانکفورت روز شنبه ۳۰ اکتبر در مقابل کنسولگری حکومت اسلامی میتینگ اعتراضی خواهیم داشت.

کمپین ما تا اعزام یک هیئت به ایران و تامین قطعی امنیت و آزادی این دو کودک ادامه خواهد داشت. به این کمپین جهانی پیوندید!

آمدن از محل را ندارد و کاملا تحت بازداشت بسر میبرد.

کمپین جهانی نجات ژیل تاکنون تلاش کرده، آخرین اخبار از وضعیت این کودکان را به گوش جهانیان رسانده و برای اعزام یک هیئت به ایران تلاش میکند.

روز چهارشنبه در یک تماس تلفنی از سوی فعالین این کمپین با مسئولین جامعه بین المللی حقوق بشر در آلمان، خواهان دخالت این سازمان برای اعزام یک هیئت به ایران با همکاری نهاد مزبور شدیم. همچنین در تماسی با نمایندگان اتحادیه اروپا و نمایندگان پارلمان اطریش خواهان پیگیری اعزام یک هیئت برای بررسی وضعیت ژیل و

طبق آخرین اخبار، ژیل در وضعیت روحی و جسمی بدی است و کماکان در خانه سلامت شهر سنندج است. بختیار ایزدی برادر وی نیز در خانه سلامت پسران بسر میبرد. جمهوری اسلامی ایران که تحت فشار افکار عمومی در ایران و خارج از کشور است، این دو کودک را به این مراکز برده و ادعا میکند که آنها را آزاد کرده است. ولی عملا مانع از رفت و آمد آزادانه این کودکان میشود و حتی در روز یکشنبه اجازه ملاقات ژیل با اعضای کانون دفاع از حقوق کودکان را نداده و مانع دریافت گل و شیرینی و لباس که از سوی افراد این کانون به محل برده شده بود، گشته است. ژیل حق مدرسه رفتن و بیرون

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

به حزب کمونیست
کارگری ایران
پیوندید!

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

اعتراضات کارگری و دو خبر از قربانبان شرایط ناامن کار!

کار ارزان و دشوار، مرگ آسان

و چهار کودک او به دورش حلقه زده بودند و گریه می کردند، در محل باقی بود.

حکومت اسلامی سرمایه داران و رسانه هایش حتی نام کارگران جان باخته را نیز بندرت اعلام میکنند. این کارگران گویی انسانهایی که دارای هویت و شخصیت و فرزند و همسر و دوست و پدر و مادری هستند، بحساب نمی آیند. "کارگر چاه کن" و "کارگر ساختمانی" و "یکی از کارگران يك كارخانه" هستند. اعداد گمنامی هستند در میان ارقام که در بیشتر موارد حتی مرگ آنها نیز گزارش نمیشود.

کارگران، خانواده های کارگری! بیایید دست در دست هم دهیم و به این نظام بردگی مزدی پایان دهیم. ما برنامه مان، حیزمان، و راه پیشروی برای يك زندگی انسانی را می شناسیم. ما محکوم نیستیم که تمام عمر و نسل اندر نسل به این فقر و تحقیر و بی اختیاری تمکین کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران به خانواده ها و بستگان و دوستان این کارگران جان باخته تسلیت میگوید. باید در اولین گام و بعنوان اقدامی فوری به شرایط نا امن کار متحدانه اعتراض کنیم. هر حادثه و مرگ و زخمی شدن هر کارگر در هر کجا به همه ما مربوط است. باید اعتراض کنیم. باید به خانواده ها و دوستان کارگران جان باخته یا حادثه دیده سر بزیم و از آنها دلجویی کنیم. باید از زندگی خود و خانواده هایمان دفاع کنیم. باید بخواهیم که تمام محیط های کار از استاندارد بالای ایمنی برخوردار شود و نمایندگان منتخب کارگران حق داشته باشند محیط های کار را از زاویه ایمنی منظم

مورد بازبینی قرار دهند. آخرین دستاوردهای بشری برای جلوگیری از بروز حوادث در محیط های کار باید بکار گرفته شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ آبان ۱۳۸۳ - ۲۶ اکتبر ۲۰۰۴

هر لحظه و هر ساعت دهها کارگر در ایران در اثر کار در شرایطی نا امن دچار حادثه میشوند و بسیاری جان میبازند. عده ای علیل و ناتوان میشوند و فرزندان و همسران و دوستان و پدران و مادرانی داغدار و بی پشت و پناه و بیچاره میشوند. هر لحظه و هر ساعت زندگی هایی از هم می پاشد و عده ای از زندگی محروم میشوند و عده ای برای همیشه به خاک سیاه می نشینند. اینان جرمشان این است که کارکرد، سودها و ثروتها را میسازند. لازم است چنین شود تا جریان ثروت اندوزی و سود عده ای دیگر لحظه ای دچار وقفه نگردد و هر لحظه و هر ساعت بیشتر و بیشتر شود. این قانون سرمایه در ایران و در گوشه و کنار جهان است. هر سال هزاران نفر در ایران قربانی شرایط نا امن کار میگردند. چند خبر از حوادث دو سه روز اخیر در ایران که در واقع مستقی است نمونه خروار:

* روز ۱ آبان کارگری بنام قربان، ۵۳ ساله، در شهرستان اراک به هنگام کار در اثر سقوط از پشت بام جان باخت.

* روز ۲ آبان يك كارگر نوجوان ۱۷ ساله افغانستانی در شهرستان ورامین در اثر برق گرفتگی در داخل چاه جان خود را از دست داد.

* روز ۲ آبان کارگر ۵۰ ساله ای به هنگام چاه کنی در قلعه خیابان مشهد در اثر استنشاق گازهای مسموم کننده، جانش را از دست داد.

* روز ۲ آبان ماه يك كارگر چاه کن در چهار راه میدان بار مشهد به داخل چاه سقوط کرد و بسختی زخمی شد.

* روز ۳ آبان ماه در کرمانشاه يك كارگر ساختمانی روزمزد بنام محمد بهمنی، ۴۰ ساله، از طبقه ۴ يك آپارتمان در حال احداث به علت پوسیدگی طناب بالابر سقوط کرد و جان باخت. جسد خونین محمد بمدت ۴ ساعت و در حالی که همسر

در اعتصاب بوده اند. این اعتصاب از روز ۲۶ مهرماه شروع شده و در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و حقوق های معوقه و همچنین برای کاهش ساعت کار است. اخیراً ۷۰ نفر از کارگران این شرکت اخراج شده اند.

معدن کوشک بافق: کارگران این معدن نسبت به عدم پرداخت هزینه ایاب و ذهاب و غذا از جانب کارفرما و همچنین نپرداختن بن غیر نقدی معترضند. کارگران طی نامه ای به اداره کار خواستار رسیدگی به خواسته هایشان شده اند. کارفرما اعلام کرده است که متحقق کردن خواست کارگران موجب زیان کارخانه می شود و حاضر به انجام آن نیست. جا دارد که ۱۱۱ کارگر این واحد معدنی با تشکیل فوری مجمع عمومی ابتکار مبارزه بر علیه کارفرما را بدست بگیرند و متحدانه مبارزه خود را برای رسیدن به مطالباتشان ادامه دهند.

شرکت ایران کنف: کارگران این شرکت پس از بارها مبارزه و اعتراض موفق به دریافت بخشی از حقوق خود شدند. کارگران ایران کنف بمدت ۲ سال، دستمزد دریافتی دریافت نکرده بودند و به همین خاطر به دفعات در مقابل استانداری، اداره کل صنایع و کار و امور اجتماعی دست به اعتراض زدند. کارگران در هفته گذشته مبلغی را بعنوان علی الحساب دریافت کردند ولی طلب کارگران بسیار بیشتر از اینهاست. ما کارگران ایران کنف را فرا می خوانیم که موفقیت در گرفتن بخشی از طلب های خود را با گرفتن ریتال آخر آنچه که حق مسلم آنهاست به يك موفقیت کامل تبدیل کنند.

دهلران، اعتراض علیه بیکاری چندصد جوان بیکار دهلران با اجتماع در مقابل اداره کار این شهرستان خواهان کار شدند. جوانان معترض به عملی نشدن قولهایی که برای استخدام در شرکت پالایش سبز وابسته به شرکت نفت به آنها داده شده بود، اعتراض داشتند. این جوانان جویای کار هر روز يك مسافت ۱۳۰ کیلومتری را طی میکنند ولی تاکنون به سر کار نرفته اند.*

۲۹ مهرماه جواد یحیوی کارگر ۲۸ ساله ماشین سازی تبریز بر اثر قرار گرفتن بر روی نوار نقاله در دم جان خود را از دست داد. همچنین روز ۴ آبان ماه محمد تیز هوش کارگر ۳۲ ساله دارای همسر و دو فرزند، در یکی از معادن زغال سنگ هجتک از توابع کرمان بر اثر خفگی در گل و لای موجود در يك تونل زیر زمینی جان باخت.

حزب کمونیست کارگری جان باختن جواد یحیوی و محمد تیز هوش را به خانواده، بستگان و همکاران آنها تسلیت می گوید و همه کارگران را به مبارزه فوری برای ایمن سازی محیط کار و مجرم شناختن کارفرمایانی که در این زمینه قصور می کنند، فرا می خواند.

شرکت رهگا: بنا به خبری که حزب دریافت کرده است، روز ۴ آبان ماه کارگران شرکت رهگا، پژوهشکده سیستم های پیشرفته صنعتی وابسته به دانشگاه شریف، دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران در این اعتصاب تمدید بیمه اجتماعی کارگران بوده که از مهرماه گذشته تمدید نشده است. خبر حاکی است که ۶ کارگر اعتصابی از کار اخراج شده اند. اعتصاب تنها سلاح کارگر در اعتراض به اجحافات کارفرما است و هیچ سرمایه داری حق اخراج کارگر را به دلیل اعتصاب نباید داشته باشد. ما همه کارگران شرکت رهگا را فرا می خوانیم که تسلیم زورگویی های کارفرما نشوند و برای بازگشت به کار همکاران اخراجی خود دست به مبارزه و اعتراض بزنند. کارگران ایران خودرو نمونه ای از مبارزه متحد کارگری را به نمایش گذاشتند که طی آن کارگران در جریان يك مبارزه پیگیر موفق شدند همکاران اخراجی خود که بدلیل شرکت در اعتصاب اخراج شده بودند را به سر کار بازگردانند.

شرکت کاربرد: از روز ۱ آبان ماه کارگران کاربرد در اعتصاب بسر میبرند. دلیل اعتصاب کارگران تعویق در پرداخت دستمزدها بوده است.

شرکت الاستیک: کارگران این شرکت که وابسته به ساختمان ماشینهای بین المللی تهران است،

چینی هیس: روز ۶ آبان ماه کارگران چینی سازی هیس ابهر و اقع در استان زنجان در مقابل ساختمان فرمانداری دست به اعتراض زدند. اعتراض کارگران، اعتراضی بر علیه اخراج، بیکاری و بی تامینی بود. حدود ۶ ماه پیش کارگران این کارخانه بدلیل تعطیلی کارخانه از کار بیکار شدند. این کارخانه ۵۰۰ کارگر داشت که شماری از آنها مشمول بیمه بیکاری شدند و تعدادی نیز حتی از دریافت بیمه بیکاری محروم ماندند. کارگران با تجمع در مقابل فرمانداری، خواهان رسیدگی به مشکلاتشان شدند. از میان تجمع کارگران، افرادی بعنوان نماینده انتخاب شدند تا با دخالت فرماندار، خواستهای کارگران پیگیری شوند. ما کارگران چینی هیس را فرا می خوانیم که در اسرع وقت اجتماع خود را مجدداً تشکیل دهند تا نتیجه مذاکرات با کارفرما و مسئولین دولت در این جلسه مورد بررسی قرار گیرد و در مورد ادامه مبارزه با نظر و مشورت جمعی بحث شود.

کارخانه بهمن پلاستیک: روز ۵ آبان ماه کارگران این کارخانه در اعتراض به حدود ۵ ماه تعویق در پرداخت دستمزدها، با اجتماع در مقابل درب ورودی کارخانه دست به اعتراض زدند. از چند ماه پیش که این کارخانه به مدیریت جدیدی و از جمله یکی از عوامل رژیم در نیروی نظامی در آمد، تولید کارخانه متوقف شد و پس از مدتی کارگران مزدی دریافت نکردند. بنا به خبر، مدیریت جدید قصد داشته که اموال و دستگاههای کارخانه را بفروشد که با مقاومت و اعتراض کارگران روبرو شده است. تشکیل مجمع عمومی و شرکت اعضای خانواده های کارگران دو فاکتور مهم برای اتحاد کارگران تداوم موثرتر مبارزه علیه اجحافات است.

کارخانه چوفا: حدود ۲۸۰ کارگر شرکت چوب و فلز اردکان بمدت ۴ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. کارفرما علت عدم پرداخت دستمزدها را وضعیت بحرانی و بدهی های کلان کارخانه می داند. کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدها هستند.

قربانیان شرایط ناامن کار: روز

توطئه نمایندگان مجلس اسلامی علیه

کارگران را باید به شکست کشانید

در مورد خارج کردن کارگران قراردادی از مشمولیت قانون کار

اخیرا در مجلس اسلامی صحبت از طرحی شده است که به موجب آن کارگران قراردادی از مشمولیت قانون کار خارج می شوند. حضرات ادعا میکنند که در فکر رفع مشکل بیکاری هستند! دلیل می آورند که بخاطر اینکه سرمایه دار بتواند افراد جدیدی را به کار گیرد قوانین دست و پا گیر از سر راهش برداشته شود. می گویند که حتی قانون کار ضد کارگری موجود نیز موجب واهمه کارفرما در بکارگیری نیروی بیکار کشور میشود! می خواهند شرایط بی حقوقی تمام عیار کارگران قراردادی را قانونی کنند تا رضایت کامل کارفرمایان را تامین نمایند.

این طرح چنان ضد کارگری و ضد انسانی است که تاکنون هیچکس پای تأیید آن نرفته است. خروج کارگران قراردادی از شمولیت قانون کار و تامین اجتماعی یعنی بازی کردن با زندگی بخش مهمی از کارگران! یعنی رسمیت قانونی بخشیدن به بی حقوقی مطلق کارگران قراردادی! همه می دانند که همین امروز نیز کارگران قراردادی حق و حقوقی ندارند. کارفرما به استخدام کارگر قراردادی می پردازد چون مفت و مجانی است و هر وقت هم بدان نیاز نداشت اخراجش می کند. مجلس نشینان حکومت می خواهند کاری کنند که کارفرما کمترین دغدغه قانونی برای بهره کشی از کارگران قراردادی را داشته باشد. این بنسویه خود دست کارفرمایان را برای اخراجهای وسیع تر با هزینه استخدام کارگران قراردادی باز می گذارد. از این رو هدف این طرح حمله به حقوق کلیه کارگران و تحت فشار گذاشتن شاغلین و کل طبقه کارگر نیز هست.

این طرح در همان شکل اولیه اش با اعتراض کارگران روبرو شده است. اعتراضات چنان بلند است که می گویند این طرح از جانب "برخی" از نمایندگان مجلس ارائه شده است. گفته اند که این طرح "البته" باید اصلاح شود. در تاریخ جمهوری اسلامی پیش نویس طرح و لایحه ضد کارگری زیاد بوده است. کارگران بدفعات آنها را به زباله دان انداخته

تعیین سردبیر نشریه انترناسیونال

رفیق گرامی محسن ابراهیمی

هیات دبیران حزب خواهید بود. برایتان در پیشبرد این مسئولیت های جدید آرزوی موفقیت میکنم.

با تأیید دفتر سیاسی حزب، مسئولیت سردبیری نشریه انترناسیونال از شماره ۶۰ به عهده شما قرار میگیرد. همچنین بعنوان سردبیر انترناسیونال، از این تاریخ عضو

حمید تقوائی

۲۸ اکتبر ۲۰۰۴

قدردانی از رفیق فاتح بهرامی

رفیق فاتح در انتشار انترناسیونال شایسته بیشترین و عمیق ترین قدردانیهاست.

امیدوارم رفیق فاتح در انجام وظایف جدیدش نیز موفق و پیروز باشد.

حمید تقوائی

۲۸ اکتبر ۲۰۰۴

در دوره ای که رفیق فاتح عهده دار سردبیری انترناسیونال بود، این نشریه بطور منظم و با دقت کم نظیری در انتخاب و ادیت مقالات و صفحه بندی نشریه که تماما بوسیله خود وی انجام میشد منتشر شده است و بخوبی مواضع و سیاستهای حزب را معرفی و نمایندگی کرده است. کار فشرده و زحمات بیدریغ

رفیق فاتح بهرامی پس از بیش از سه سال فعالیت بعنوان سردبیر نشریه انترناسیونال بخاطر وظایف دیگری که اخیرا عهده دار شده است خواستار آن شد که سردبیری نشریه به رفیق دیگری واگذار شود. با این تقاضا موافقت شد و از شماره آتی رفیق محسن ابراهیمی سردبیری انترناسیونال را بعهده خواهد داشت.

تشکر صمیمانه بخاطر همکاری ارزنده شما

کارگری ایران است، حزبی که امید طبقه کارگر و همه مردم آزادیخواه و برابری طلب برای رهائی از شر حکومت اسلامیست. به انترناسیونال باید یاری رساند. آنرا باید هرچه وسیعتر تکثیر و توزیع کرد و بدست مردم رساند. باید کمک کرد تا هر شماره انترناسیونال در ابعاد میلیونی در دسترس مردم شریف و آزادیخواه و حق طلب قرار بگیرد. انترناسیونال متعلق به همه انسانهای شریف و حق طلب است، بهر شکل ممکن باید به آن یاری برسائیم و خود را در موفقیت هرچه بیشتر آن سهیم کنیم. بار دیگر دست همه شما دوستداران حزب و نشریه انترناسیونال، و همه عزیزانی که بهر شکلی با انترناسیونال همکاری کرده اند را بگرمی میفشارم و برایتان آرزوی پیروزی و موفقیت دارم.

فاتح بهرامی

۷ آبان ۱۳۸۳، ۲۸ اکتبر ۲۰۰۴

کنار داشتن مسئولیت سنگین رادیو انترناسیونال در سه ماه گذشته سردبیری نشریه را تقبل کرد صمیمانه تشکر میکنم. در اینجا لازم است که از کلیه رفقائی که در سه سال گذشته برای انتشار نشریات انترناسیونال هفتگی و انترناسیونال بمن یاری رساندند و انتشار نشریه را از جوانب مختلف ممکن کردند قدرانی کنم. همچنین از کلیه رفقائی که در داخل و خارج ایران در جهت تکثیر، توزیع، تبلیغ و قابل دسترس کردن انترناسیونال تلاش کردند و به محبوب شدن آن کمک کردند، و از خوانندگانی که نامه نوشتند، نظر و پیشنهاد دادند، خبر ارسال کردند و خود را در همکاری با نشریه سهیم کردند صمیمانه تشکر میکنم و دستشان را بگرمی میفشارم.

انترناسیونال پرخواننده ترین و پیراژترین نشریه اپوزیسیون است، مهمتر اینکه نشریه حزب کمونیست

سه ماه پیش بدرخواست من و موافقت رفیق حمید تقوائی، رفیق سیاوش دانشور سردبیری نشریه انترناسیونال را موقتا بمدت سه ماه بعهده گرفت. اکنون پس از سه ماه میبایست من به کار ادامه میدادم، اما بدلیل بعهده گرفتن مسئولیت و فعالیت در حزب کمونیست کارگری چپ عراق متأسفانه ادامه سردبیری انترناسیونال برابرم ممکن نشد و از اینرو از رفیق حمید تقوائی درخواست کردم که این مسئولیت را بعهده رفیق دیگری بسپرد. از هفته آینده، شماره ۶۰، به پیشنهاد رفیق حمید تقوائی و موافقت دفتر سیاسی حزب، رفیق محسن ابراهیمی مسئولیت سردبیری نشریه انترناسیونال را خواهد داشت. ضمن تبریک به رفیق محسن ابراهیمی برای او در مسئولیت جدید و تلاش برای هرچه پربار تر شدن نشریه انترناسیونال آرزوی موفقیت دارم. از رفیق سیاوش دانشور که در

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ آبانماه ۱۳۸۳-۲۸ اکتبر ۲۰۰۴